

---

# دیالکتیک و واسازی

## در اقتصاد سیاسی

---

### رابرت آلبریتون

---

#### برگردان: فروغ اسدپور

---



نشر پژوهش

مجموعه ادبیات و فلسفه

مجموعه فلسفه و اندیشه

نویسنده: رابرت آلبریتون

مترجم: فروغ اسدپور

تعداد صفحات: ۲۲۲

شابک: ۹۶۴-۶۶۶۹-۰۰۹-۰۸۷۴

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

موضوع: فلسفه و اندیشه

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۲۲۲، پست‌کد ۱۹۶۱۶

وبسایت: [www.pozhosh.com](http://www.pozhosh.com) - تلفن: ۰۲۱-۶۶۶۹۹۹۹



نشر پژوهش

## فهرست مطالب

۹	قدردانی
۱۱	مقدمه بر چاپ فارسی
۲۷	فصل یکم: مقدمه
۴۷	فصل دوم: هستی‌شناسی یکتای سرمایه
۱۱۷	فصل سوم: دیالکتیک هگل و دیالکتیک سرمایه
۱۸۷	فصل چهارم: ذات‌گرایی ماکس وبر
۲۲۵	فصل پنجم: آلتوسر دشواره‌ساز
۲۷۱	فصل ششم: واسازی و اقتصاد سیاسی
۳۲۱	فصل هفتم: جمع‌بندی
۳۲۵	کتابنامه
۳۳۱	نمایه

## مقدمه بر چاپ فارسی

رابرت آلبرتون، استاد بازنشسته‌ی دانشگاه یورک

دسامبر ۲۰۱۱

ابتدا از شخصی سپاسگزاری می‌کنم که برای ترجمه‌ی فارسی کتاب دیالکتیک و واسازی در اقتصاد سیاسی وقت و انرژی گذارده است.

اگر قرار بود یک بار دیگر کتاب را همین امروز (در پایان سال ۲۰۱۱) بنویسم قطعاً در محتوای آن تغییری نمی‌دادم.

هنوز جداً فکر می‌کنم جهان در مرحله‌ی عبور از سرمایه‌داری است و اقتصاد سیاسی مارکسی کلید درک آن را در اختیار دارد و همچنین شکل دادن به استراتژی‌هایی که می‌توانند گذار به سمت و سوی متری را تضمین کنند. به نظرم دشوار است پیش‌بینی مدت این گذار، اما مایه‌ی شگفتی شدید من است اگر که در پایان قرن کنونی هنوز هم چیزی شبیه سرمایه‌داری همچنان در موقعیت هژمونیک یافت شود و گذار می‌تواند بسیار زودتر از پایان قرن آغاز شده باشد.

شواهد نیرومندی برای پشتیبانی از مدعای من در دست هست مبنی بر این که ما در قرن عبور از سرمایه‌داری بسر می‌بریم. طرح کوتاهی از چهار بحرانی به دست می‌دهم که در برهم‌کنش و واکنش بر وخامت یکدیگر می‌افزایند: بحران اقتصادی، بحران سیاسی، بحران ایدئولوژیک، بحران سلامتی انسان و محیط زیست.

### بحران اقتصادی

مارکس روشن کرده است که صنعتی شدن تولید کالاها مهم‌ترین جنبه‌ی سرمایه‌داری است. رانت و بهره‌داری خصلت انگلی اند به این معنا که بخشی از ارزش اضافی تولید شده از راه استثمار نیروی کار را به

خود اختصاص می‌دهند. هنگامی که پارازیت در میزبان خود چنگ بیندازد و بیشترین میزان ارزش اضافی را تصرف کند گواه این است که میزبان (سرمایه‌داری صنعتی) فرسوده و فرتوت شده و به پایان خط رسیده است. در حالی که در کشورهای نظیر آمریکا شاهد بیکاری و نیمه‌بیکاری گسترده هستیم، مشاهده می‌کنیم که کالاهای هر چه بیشتری در کشورهای همچون چین تولید می‌شوند، جایی که کار از فوق استثمار در رنج است. در نتیجه‌ی این وضعیت، کل یک نسل از جوانان با چشم‌انداز مشاغل کم‌مزد یا اصولاً فقدان شغل و کار روبرویند. در آمریکا مشکلات اجتماعی مربوط به فقر و بیکاری در حال رشدند و البته وضعیت بسیار بدتر از این می‌بود اگر که زندان، گسترش مشاغل نظامی و امنیتی در کار نبود، و شاهد آنیم که گسترش بدهی‌ها به فراسوی حدودی قابل تصور رشد کرده است.

گسترش بدهی دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا موجب ایجاد تعداد بی‌شماری از حباب‌های اقتصادی همزمان<sup>۱</sup> شده است که حاصل آن نابرابری گسترده، و چشم‌انداز چرخش متناوب بحران‌های اقتصادی است. بخش مالی بزرگ به طرز فزاینده‌ای خود را به واسطه‌ی رشد وسایل غنی‌سازی‌اش از اقتصاد واقعی جدا کرده است و این فرایند مبتنی بوده است بر رشد لایه‌های هرچه فزاینده‌تر ابزارهای مالی که همانا سفته‌بازی از نوع کازینویی را بدون تولید واقعی چیزی تسهیل می‌کنند و تنها حاصل آن غنی کردن اقلیت و فقیرکردن اکثریت بوده است. شرکت‌های هرچه بیشتری با جستجوی استثمارشده‌ترین کارگران جهان و با وارد شدن به آن مناطقی که قوانین زیست‌محیطی ضعیفی دارند یا این قوانین اصلاً اعمال نمی‌شوند، یا از راه یافتن حکومت‌های فاسدی که آنها را از قوانین کار معاف می‌دارند و به آنان امکان معافیت-های طولانی‌مدت مالیاتی و دیگر «مشوق‌ها» را می‌دهند در پی کاهش هزینه‌های خود هستند.

سرمایه‌داری همیشه در تلاش برای تصاحب خصوصی سودها و اجتماعی کردن هزینه‌ها بوده است، مثلاً همان‌طور که هزینه‌های بیکاری (تقریباً همه‌ی مشکلات اجتماعی از افسردگی روحی تا تعدی‌های بزهکارانه در تناسب مستقیم با بیکاری رشد می‌کنند) «پیامدهای خارجی» تلقی می‌شوند و در قیمت‌های کالاها سرمایه‌داری ظاهر نمی‌شوند. به این معنا قیمت‌های جامعه‌ی سرمایه‌داری همواره دارای یک بعد ناعقلانی بوده است. اما حالا ما در جهانی با هزینه‌های جدی فزاینده‌ی زیست‌محیطی زندگی می‌کنیم که معمولاً منجر به ایجاد پیامدهای خارجی می‌شوند که از سودهای سرمایه‌داری بسیار فراتر می‌روند و منجر به قیمت‌هایی با درجه‌ی بسیار جدی ناعقلانیت می‌شوند. مثلاً شاید سودآور باشد که باقیمانده‌ی جنگل‌های بارانی در اندونزی و مالزی را برای تولید روغن پالم منهدم کرد، اما در این صورت هزینه‌های درازمدت زیست‌محیطی (پیامدهای خارجی؟) بسیار بیشتر از سودهای کوتاه‌مدت خواهد بود.

### بحران سیاسی

نهادهای سیاسی از سطح محلی تا جهانی در حال کاهش هزینه‌های عمومی به منظور پرداخت بدهی‌ها هستند. در بسیاری از موارد، این سیاست به معنای کاهش هزینه‌های درمان و بهداشت، آموزش و تحصیل، و رفاهی است یا کاهش هزینه‌های تور امنیتی که کارگران در طول قرن‌ها برای خاطر آنها جنگیده‌اند تا نایمنی‌های ناشی از تبدیل کارگران به یک عامل کالایی در فرایند تولید سرمایه‌داری را تخفیف دهند. به بیان ساده‌تر، این مردمان مشغول کار و زحمت‌اند، و نه ثروتمندان، که هزینه‌های نهادهای مالی و سیاسی در معرض ورشکستگی را پرداخت می‌کنند که همانا به‌علت گسترش بدهی به منظور حفظ و بقای سرمایه‌داری به چنین روزی افتاده‌اند.